

روسری گل گلی



بازیگران: باد - خانم بزى - خانم مرغه - ننه کلاغه

باد، دور صحنه می چرخد.

باد: هوهو... هو... هو...

باد، یک روسری گل گلی پیدا می کند.

باد: به به چه روسری قشنگی! ... حیف است این جا بماند. باید آن را با خودم ببرم و برایش صاحبی پیدا کنم.

باد، روسری را برمی دارد. دور صحنه می چرخد. به یک در می رسد.

باد: تق، تق، تق...

خانم بزى: (در را باز می کند) بله؟

باد: می خواهید این روسری مال شما باشد؟

خانم بزى: بله که می خواهم! خیلی قشنگ است. از همه رنگ است.

باد: اگر آن را به شما بدهم، چه کارش می کنید؟

خانم بزى: آن را به شاخم می بندم.

باد: اگر به شاختان گیر کرد و پاره شد، چه کار می کنید؟

خانم بزى: پرتش می کنم روی پشت بام. چون با این همه بزغاله که دارم، وقت دوخت و دوز ندارم.

باد: پس آن را به شما نمی دهم!



باد، باروسری دور صحنه می چرخد. به یک در می رسد.
باد: تق، تق، تق...
باد: تق، تق، تق...
ننه کلاغه: (در را باز می کند) بله؟
باد: می خواهید این روسری مال شما باشد؟
ننه کلاغه: بله که می خواهم! خیلی قشنگ است.
 از همه رنگ است.
باد: اگر آن را به شما بدهم، چه کار می کنید؟
ننه کلاغه: آن را سرم می کنم و به عروسی کلاغها می روم.
باد: اگر روسری کثیف شد، چی؟
ننه کلاغه: آن را می شورم.
باد: اگر پاره شد، چی؟
ننه کلاغه: «آن را با حوصله می دوزم. اصلا نه می گذارم کثیف شود نه پاره.»
باد: پس مال شما!
ننه کلاغه: (روسری را می گیرد) «دست شما درد نکند.»
 باد از صحنه خارج می شود. ننه کلاغه روسری را سرش می کند. از صحنه خارج می شود.

باد، باروسری دور صحنه می چرخد. به یک در می رسد.
باد: تق، تق، تق...
خانم مرغه: (در را باز می کند) بله؟
باد: می خواهید این روسری مال شما باشد؟
خانم مرغه: بله که می خواهم! خیلی قشنگ است. از همه رنگ است.
باد: اگر آن را به شما بدهم، چه کارش می کنید؟

خانم مرغه: موقع جارو کردن، آن را به سرم می بندم تا گرد و خاک روی سرم ننشیند
باد: اگر روسری کثیف شد. چه کارش می کنید؟
خانم مرغه: پرتش می کنم روی پشت بام. آخه با این همه جوجه، وقت شست و شو ندارم.
باد: پس آن را به شما نمی دهم!

